



فرزدق

نام فرزدق، **همام بن غالب بن صعصعه بن عقال** است که یکی از شعرای طبقه اول دوره اموی محسوب می‌شود. او شاعری بدبهمسرا و سخت‌کوش بود. هفتاد و سه سال **شعر** گفت و لغت **عرب** را حفظ کرد؛ از این‌رو مورد توجه جامعه **عرب** قرار گرفت. شیعیان نیز به جهت سروده‌هایش در **مدح اهل بیت** ارادت خاصی به او دارند.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی فرزدق
- ۲ - دلیل حفظ کردن قرآن
- ۳ - شعر و شاعری
 - ۳.۱ - شاعر نامدار دوره اموی
 - ۳.۲ - شاعران متقدم اسلام
 - ۳.۳ - ایراد گرفتن بر شعر فرزدق
 - ۳.۴ - محتوای اشعار
 - ۳.۴.۱ - بیان یک نمونه
 - ۳.۵ - مدح اهل بیت
- ۴ - ادله شیعه بودن فرزدق
 - ۴.۱ - بیان یک روایت
 - ۵ - ارادت به خاندان اهل بیت
 - ۵.۱ - نمونه اول
 - ۵.۲ - نمونه دوم
 - ۶ - توجه به خلفای اموی
 - ۶.۱ - بیان یک روایت
 - ۷ - حضور در دستگاه اموی
 - ۷.۱ - شعری در باره عبدالملک
 - ۷.۲ - شعری در باره ولید
 - ۷.۳ - شعری در باره ابن عبدالملک
 - ۸ - پاسخ‌گویی به حریف با شعر
 - ۹ - هجو برخی امرای عرب
 - ۹.۱ - هجو ابن ابیه و معاویه
 - ۹.۲ - هجو خالد
 - ۹.۳ - هجو حجاج
 - ۹.۴ - بیان یک روایت
 - ۱۰ - شخصیت‌روایی
 - ۱۱ - وفات
 - ۱۲ - پانویس
 - ۱۳ - منبع

معرفی فرزدق

- نام او **همام بن غالب بن صعصعه بن عقال**
- [۱] یلانزی، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۶۵، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷، چاپ اول. و کنیه‌اش ابوفراس
 - [۲] کوفی، ابن اعثم، الفتوح، ص ۱۰۴۹، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
 - [۳] مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، تاریخ‌گزیده، ص ۷۰۹، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم. پدرش غالب نیز فردی بخشنده و شریف و از بزرگان قوم خویش بود
 - [۴] امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۷، بیروت، دارالتعارف المطبوعات.

و مادرش **لیلی بنت حابس** خواهر **اقرع بن حابس تمیمی صحابی** بود.

[۱۵] مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۰۹، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
در منابع تاریخی سخن دقیقی از سال تولد او به میان نیامده است و با اختلافی که در ثبت **تاریخ** و **ولادت** او را بین سال‌های ۱۹ تا ۲۳ تخمین زد. وی پنج **فرزند** به نام‌های **لیطه**، **سیطه**، **خطبه**، **رکضه** و **زمعه** داشت که زمعه نیز شاعر بود.
[۱۶] **بلاذری**، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۶۶، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷، چاپ اول.

دلیل حفظ کردن قرآن

روایت شده است که فرزندق با پدرش بر **امیر المؤمنین علی (علیه السلام)** وارد شد، حضرت (علیه السلام) پرسید: «او کیست؟» غالب پاسخ داد: «پسر من است که **شاعر** است». حضرت فرمود: «به او **قرآن** بیاموز که بهتر از شعر است».

[۱۷] **دمشقی**، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دار الفکر.

آمده است که وی پس از این جریان پاهای خویش را در بند کرد تا قرآن را حفظ کرد.

[۱۸] **امین**، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۱، بیروت، دار التعارف المطبوعت.

[۱۹] **دمشقی**، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دار الفکر.

(البته در دو منبع پیشین توصیه امیرمؤمنان (علیه السلام) به حفظ قرآن نقل نشده است).

[۲۰] **بلاذری**، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۶۸، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷، چاپ اول.

شعر و شاعری

شعر و شاعری در **فرهنگ** جوامع پیشین به ویژه جامعه **عرب**، تنها جنبه ذوقی و هنری نداشته است؛ بلکه به عنوان یکی از مؤثرترین مکانیسم‌های فرهنگی، نقش فزاینده‌ای در تثبیت یا تزلزل موقعیت و جایگاه اجتماعی و سیاسی یک فرد یا قوم و **طایفه** داشته است. بر این اساس یک شاعر به عنوان یک مبلغ مؤثر با مدح طایفه‌ای موقعیت او را در جامعه ارتقا می‌داد و با **هجو** و **منت** ممکن بود، شخص یا طایفه‌ای را به **خاک** مذلت بنشانند.

← شاعر نامدار دوره اموی

فرزندق به عنوان یکی از شعرای معروف و نامدار از چنین جایگاهی برخوردار بود. وی از شعرای بزرگ عصر اموی محسوب می‌شد.

[۲۱] **کلبی**، هشام بن محمد، الاصلنام، ص ۸۳، تحقیق احمد زکی پاشا، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴، چاپ دوم.

بدوی بودن وی،

[۲۲] **دمشقی**، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دار الفکر.

حضور وی در افصح قبایل عرب،

[۲۳] **امین**، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۵۹۶، بیروت، دار التعارف المطبوعت.

[۲۴] **امین**، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، بیروت، دار التعارف المطبوعت.

و **حنت** و **تیز هوشی** او در پاسخگویی،

[۲۵] **امین**، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، بیروت، دار التعارف المطبوعت.

بستر مناسبی جهت شکوفایی ذوق شعری وی فراهم آورد. معروف است که اگر **شعر** فرزندق نبود، ثلث لغت عرب از دست می‌رفت و نیمی از **روایات** و اخبار نابود می‌شد.

[۲۶] **کوفی**، ابن اعثم، الفتوح، ص ۱۰۴۹، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

← شاعران متقدم اسلام

در کنار او دو شاعر دیگر (جریر و اخطل) نیز از متقدمان شعرای **اسلام** محسوب می‌شوند

[۲۷] **مستوفی**، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۰۸، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.

که در برتری آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد.

فرزندق را به **زهیر بن ابی سلمی** که از شعرای طبقه اول عصر جاهلی بود، **تشبیه** می‌کنند.

[۲۸] **کوفی**، ابن اعثم، الفتوح، ص ۱۰۴۹، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.

← ایراد گرفتن بر شعر فرزندق

با این حال برخی اهل ادب نیز بر او خرده گرفته‌اند. **ابوبکر عبدالله بن اسحاق** مولای حضر که علامه **علم نحو** و **لغت** بود، بر فرزندق خرده می‌گرفت و **عیب** او را **اشکار** می‌کرد و شعر او را **لجن** و غلط می‌دانست.

[۲۹] **ابن اثیر**، عز الدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۳۴۰.

[۱۰] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۲۸۵، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.

← محتوای اشعار

ذوق شاعرانه فرزندق بیشتر با هجو تناسب داشت

[۱۱] بلعی، تاریخنامه طبری، ج ۵، ص ۱۵۵۲، تحقیق محمد روشن، تهران، البرز، ۱۳۷۳، چاپ سوم.
و محتوای بیشتر اشعار او در قالب هجو یا **فخر** قبیلگی سروده شده است. در واقع ساختار ذهنی فرزندق بر مبنای نگاه **عرب** به نظام قبیلگی و طایفه‌ای استوار است.

← بیان یک نمونه

نمونه مشهور آن، اشعار هجوی است که میان او و جریر رد و بدل شده است؛ فرزندق به عنوان این‌که جزو خاندان **تمیم** است، بر جریر سرافرازی می‌کرد و هر یک از این دو، رسوایی‌های شاخه دیگر را برمی‌شمردند.

[۱۲] کللی، هشام بن محمد، الاصلنام، ص ۸۳، تحقیق احمد زکی پاشا، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴، چاپ دوم.
[۱۳] بلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۹۴، تحقیق سپیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷، چاپ اول.

← مدح اهل بیت

مدح **اهل بیت (علیه‌السلام)** و مدح و ذم فراوان خاندان اموی از شاخصه‌های دیگر **شعر** او محسوب می‌شود. از وی دیوان شعری به جا مانده است.

ادله شیعه بودن فرزندق

در منابع **اهل سنت**، فرزندق **شیعه** دانسته شده است.

[۱۴] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۴، ص ۳۵۸، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
[۱۵] مقسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ص ۶۱۸، مترجم علی نقی منزوی، تهران، مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، چاپ اول.
ملاقات وی با **امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)** و **حفظ قرآن** بنا بر فرمایش ایشان،

[۱۶] امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
سرودن اشعاری در مذمت ابن ملجم،

[۱۷] محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۸۲، تیریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱، چاپ اول.
رفت و آمد به کوفه

[۱۸] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۵۳، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
که پایگاه **شیعیان** است، ملاقات با **امام حسین (علیه‌السلام)** در مسیر حرکت ایشان به کوفه

[۱۹] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۶۹، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.
و سرودن ابیاتی در رثای ایشان

[۲۰] فرزندق، همام بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۷، مقدمه و شرح مجید طرد، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، چاپ دوم.
[۲۱] امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۶۸، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

و اصحابشان از جمله **مسلم بن عقیل** و **هانی بن عروه**

[۲۲] ابن طباطبای، محمد بن علی، الفخری، ص ۱۵۶، ترجمه وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، چاپ دوم. و برخی منابع این ابیلت را به عبدالله بن زبیر اسدی نسبت داده‌اند.

[۲۳] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۱۴۴، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
و به عنوان مهترین نشانه، جریر سرودن شعر در مدح **امام زین‌العابدین (علیه‌السلام)** در حضور هشام،

[۲۴] مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۰۹، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
شاید از شاخص‌ترین دلایلی باشد که وی را در ردیف شیعیان بر شمرده‌اند.

← بیان یک روایت

نقل است که وی در راه **مکه** در صفاح امام حسین (علیه‌السلام) را دید و **امام** از او احوال مردم **کوفه** را جویا شدند. وی در پاسخ گفت: «آنرا را پشت سر گذاشتم؛ در حالی که دل‌هایشان با تو و شمشیر‌هایشان ضد تو بود.

[۲۵] **دینوری**، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۲۴۵.

[۲۶] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۶۹، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.

[۲۷] مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، تاریخ گزیده، ص ۲۶۴، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.

«

ارادت به خاندان اهل بیت

ارادت فرزندق به خاندان اهل بیت امر مبهم و پوشیده‌ای نیست. مدح و ستایش امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) در فضای حفقان سیاسی، آن هم در حضور **هشام**، پسر حاکم اموی [۳۸] مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، تاریخ‌گزیده، ص ۲۶۴، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چپ سوم. و **تحقیر** وی به جهت **انکار شناخت** امام نه تنها گواه شهامت و **شجاعت** در خور **تقدیر** وی است، بلکه بر ارادت وی به این خاندان گواهی می‌دهد.

← نمونه اول

آمده است زمانی که حضرت **امام سجاد (علیه‌السلام)** از حبس او مطلع شدند، مبلغ دوازده هزار **درهم** برای او فرستادند. او مبلغ را پس داد و گفت: «من مدح تو برای **رضای خدا** گفتم، نه عطا». حضرت (علیه‌السلام) مبلغ را باز فرستاده فرمودند: «ما که اهل بیتیم، چون چیزی به کسی بخشیم، باز نستانیم». (در این نقل مبلغ ده هزار درهم عنوان گردیده است). [۳۹] مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر، تاریخ‌گزیده، ص ۷۱۰، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چپ سوم. [۴۰] محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۸۰، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱، چپ اول.

← نمونه دوم

در جریان دیگری وقتی **کمیت بن زید اسدی** که پیوند قبیلگی با فرزندق داشت، «قصاید هاشمیت» را گفت، برای محک زدن اشعار خود که در مدح اهل بیت بود، نزد فرزندق آمد. فرزندق پس از شنیدن اشعار او در پاسخ چنین گفت: «پسرم آفرین! خوب گفته‌ای که از ارادل و اویش دست برداشته‌ای و هرگز تیرت به خطا نخواهد رفت و گفتارت را **تکذیب** نخواهند کرد... انتشار بده و با دشمن دست به گریبان شو که تو از همه گذشتگان و حاضران شاعرتری». [۴۱] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۳۱، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چپ دوم.

توجه به خلفای اموی

با این حال توجه او به خلفای اموی و حضور وی در دستگاه آنان، با توجه به نقش و جایگاه اجتماعی یک شاعر و میزان تأثیرگذاری شعر در آن عصر، تأمل‌برانگیز است. در نهایت شاید بتوان وی را تحت عنوان **شیعه** محب قرار داد که به جهت علاقه‌اش به این خاندان، اشعار وی در **مدح** آنان سروده است؛ اما در مجموع اشعار او متأثر از نظام قبیلگی، سرشار از **هجو** و **فخر** و... است.

← بیان یک روایت

در نقلی آمده است که در جریان ملاقت **امام حسین** با فرزندق، ایشان مبلغی را به فرزندق دادند و چون پرسیده شد که چرا به شاعری خیال‌پرداز و زبان‌گسیخته **یادش** می‌دهید، در پاسخ فرمودند: «کاری که با آن آبروی خود را حفظ کنی، بهترین کار است؛ وانگهی فرزندق شاعری است که نمی‌توان از او در امان بود». [۴۲] واقفی، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۹۰، ترجمه محمود دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴. [۴۳] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار لدر اخبار ائمه الاطهار، ج ۴۴، ص ۱۸۹، تهران، اسلامیه.**

بنابراین نمی‌توان وی را در ردیف کمیت و **دعبل** که سراسر شیفته اهل بیت بودند قرار داد.

حضور در دستگاه اموی

به رسمیت شناختن فرزندق به عنوان یکی از شعرای عصر اموی، [۴۴] کلی، هشام بن محمد، الاصلنام، ص ۸۳، تحقیق احمد زکی پاشا، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴، چپ دوم. نشان‌دهنده حضور وی در دستگاه **خلاف** و حمایت معنوی آنان بوده است. وی در دربار خلفای اموی از جمله **ولید**، **سلیمان**، **عمر بن عبدالعزیز** و... حضور داشت و در تأیید جایگاه و مقام **خليفة اللهی** آنان اشعاری سروده است.

← شعری درباره عبدالملک

به عنوان مثال درباره عبدالملک چنین سروده است:
فالارض لله ولاها خلیفه و صاحب الله فیها غیر مغلوب؛ **زمین** از آن خداست که آن را به دست خلیفه‌اش داده و صاحب **خدا** در زمین شکست نمی‌خورد.

← شعری درباره ولید

و درباره ولید گفت:
اما ولید فان الله اورثه بعلمه فیہ ملکا ثابت الدعم؛ [۴۵] فرزندق، هماد بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۳۶، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، چپ دوم. [۴۶] فرزندق، هماد بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۳۶۵، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، چپ دوم. [۴۷] فرزندق، هماد بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۳۶۷، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، چپ دوم. ولید، **خداوند** او را به **علم خود وراثت** داده که در آن پادشاهی استوار است.

← شعری درباره ابن عبدالملک

و درباره [سلیمان بن عبدالملک](#) گفت:

به امن الله البلاد فساکن بكل طریق لیلها ونهارها؛

[۴۸] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۶۸، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چاپ دوم.

خداوند به دست او [اِمنیت](#) بلاد را تأمین کرد؛ آن گونه که در [شِب](#) و روز هر مطرودی را [اِرامش](#) داد.

این اشعار مبین دیدگاه نظری فرزند زق درباره جایگاه [امامت](#) و [خلافت](#) است و دستکم وی را از قلمرو [شیعه](#) اعتقادی بیرون می‌راند.

پاسخ‌گویی به حریف با شعر

وی در موقعیت‌های مورد نیاز در [رثاء](#)، [هجاء](#) یا پاسخ‌گویی به حریف [شعر](#) می‌سرود؛ به عنوان مثال:

در پاسخ به پادشاه روم به درخواست ولید شعری گفت.

[۴۹] واقفی، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۷۷، ترجمه محمود دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.

در مدح طلحه بن عبدالله حاکم مدینه دو هزار درهم دریافت کرد و در رثای عمر بن عبدالعزیز پس از مرگش اشعاری سرود.

[۵۰] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۹۷، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چاپ دوم.

با این حال نمی‌توان وی را شاعر درباری محض دانست.

هجو برخی امرای عرب

وی در مقابل رفتار برخی امرای [عرب](#) که خلاف مبانی [اسلام](#) رفتار می‌کردند نیز اشعاری به هجو سروده است.

← هجو ابن ابیه و معاویه

هجو [زید بن ابیه](#)

[۵۱] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۳۷، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.

[۵۲] طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۸۵۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.

و [معاویه](#)

[۵۳] ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۵۰، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.

از این جمله‌اند.

← هجو خالد

وی خالد را به جهت خراب کردن مناره‌های [مساجد](#) هجو نمود.

[۵۴] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۴، ص ۱۸۷، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.

← هجو حجاج

و حجاج را به جهت [طغیان](#) و سرکشی‌اش

[۵۵] [ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۶۰.](#)

[۵۶] ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۴۱، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.

مورد هجو و مذمت قرار داد؛ البته هجو برخی از امرا نیز به دستور خلفای اموی صورت می‌گرفت.

[۵۷] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۸۲، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چاپ دوم.

شاید از این گفته او بتوان سیاست وی را در مدح و تم امر او و بزرگان دریافت.

← بیان یک روایت

نقل است به فرزند زق گفته شد: «[حجاج](#) را تا آن زمن که زنده بود، مدح می‌کردی، چون مُرد او را هجو می‌کنی؟» وی در پاسخ گفت: «ما تا زمانی که [خداوند](#) با آنان است، با آنان هستیم؛ وقتی [خدا](#) آنان را ترک کرد، ما هم آنان را ترک می‌کنیم.

[۵۸] [پلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۷۱، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷، چاپ اول.](#)

فرزقد از امام حسین (علیه السلام)، ابو هریره، ابوسعید خدری، فرجه بن اسعد، زرارہ بن کرب و طرمح بن عدی شاعر، روایت کرده است و از او **خالد حذاء** و **مروان اصغر** و **حجاج بن حجاج** و... روایت کرده‌اند.
[۵۶] دمشق، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النہایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دار الفکر.

وفات

فرزقد بنا به نقل مشهور در سال صد و ده
[۴۰] ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۴، ص ۵۴، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
[۴۱] مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۱۰، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چپ سوم.
در سن نود و یک سالگی در **بصره**
[۴۲] **تهران، آقازرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۴، قم، اسماعیلیان.**
وفات یافت و به **حاک** سپرده شد.

پانویس

۱. ↑ **بلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۶۵، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷، چپ اول.**
۲. ↑ **کوفی، ابن اعثم، الفتوح، ص ۱۰۴۹، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.**
۳. ↑ **مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۰۹، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چپ سوم.**
۴. ↑ **امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۷، بیروت، دار التعارف المطبوعت.**
۵. ↑ **مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۰۹، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چپ سوم.**
۶. ↑ **بلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۶۶، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷، چپ اول.**
۷. ↑ **دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النہایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دار الفکر.**
۸. ↑ **امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۴۵۱، بیروت، دار التعارف المطبوعت.**
۹. ↑ **دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النہایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دار الفکر.**
۱۰. ↑ **بلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۶۸، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷، چپ اول.**
۱۱. ↑ **کلبی، هشام بن محمد، الاصنام، ص ۸۳، تحقیق احمد زکی پاشا، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴، چپ دوم.**
۱۲. ↑ **دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النہایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دار الفکر.**
۱۳. ↑ **امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۵۹۶، بیروت، دار التعارف المطبوعت.**
۱۴. ↑ **امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، بیروت، دار التعارف المطبوعت.**
۱۵. ↑ **امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، بیروت، دار التعارف المطبوعت.**
۱۶. ↑ **کوفی، ابن اعثم، الفتوح، ص ۱۰۴۹، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.**
۱۷. ↑ **مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۰۸، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چپ سوم.**
۱۸. ↑ **کوفی، ابن اعثم، الفتوح، ص ۱۰۴۹، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلام رضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.**
۱۹. ↑ **ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۳۴۰.**
۲۰. ↑ **ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۲۸۵، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.**
۲۱. ↑ **بلعمی، تاریخنامه طبری، ج ۵، ص ۱۵۵۲، تحقیق محمد روشن، تهران، البرز، ۱۳۷۳، چپ سوم.**
۲۲. ↑ **کلبی، هشام بن محمد، الاصنام، ص ۸۳، تحقیق احمد زکی پاشا، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴، چپ دوم.**
۲۳. ↑ **بلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۹۴، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷، چپ اول.**
۲۴. ↑ **ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۴، ص ۳۵۸، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.**
۲۵. ↑ **مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ص ۶۱۸، مترجم علی نفی منزوی، تهران، مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، چپ اول.**
۲۶. ↑ **امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، بیروت، دار التعارف المطبوعت.**
۲۷. ↑ **محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۱، ص ۵۸۲، تیریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱، چپ اول.**
۲۸. ↑ **ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۵۳، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.**
۲۹. ↑ **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۶۹، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چپ پنجم.**
۳۰. ↑ **فرزقد، همام بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۷، مقدمه و شرح مجید طرد، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۴، چپ دوم.**
۳۱. ↑ **امین، سید محسن، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۲۶۸، بیروت، دار التعارف المطبوعت.**
۳۲. ↑ **ابن طباطبای، محمد بن علی، الفخری، ص ۱۵۶، ترجمه وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰، چپ دوم. و برخی منابع ابن ابیبلت را به عبدالله بن زبیر اسدی نسبت داده‌اند.**
۳۳. ↑ **ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۱۴۴، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.**
۳۴. ↑ **مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۰۹، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چپ سوم.**
۳۵. ↑ **دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ص ۲۴۵.**
۳۶. ↑ **طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۶۹، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چپ پنجم.**

۳۷. ↑ مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۲۶۴، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
۳۸. ↑ مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۲۶۴، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
۳۹. ↑ مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۱۰، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
۴۰. ↑ محدث اربلی، کشف الغمه فی معرفه الاممه، ج ۲، ص ۸۰، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱، چاپ اول.
۴۱. ↑ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۳۱، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چاپ دوم.
۴۲. ↑ واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۹۰، ترجمه محمود دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۴۳. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار لدرر اخبار ائمه الاطهار، ج ۴۴، ص ۱۸۹، تهران، اسلامیه.
۴۴. ↑ کلیبی، هشام بن محمد، الاصلنام، ص ۸۳، تحقیق احمد زکی پاشا، تهران، نشر نو، ۱۳۶۴، چاپ دوم.
۴۵. ↑ فرزدق، همام بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۳۶، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، چاپ دوم.
۴۶. ↑ فرزدق، همام بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۳۶۵، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، چاپ دوم.
۴۷. ↑ فرزدق، همام بن غالب، دیوان الفرزدق، ج ۱، ص ۳۶۷، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۴، چاپ دوم.
۴۸. ↑ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۶۸، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چاپ دوم.
۴۹. ↑ واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۷۷، ترجمه محمود دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.
۵۰. ↑ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۹۷، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چاپ دوم.
۵۱. ↑ ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۱، ص ۳۷، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
۵۲. ↑ طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۸۵۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.
۵۳. ↑ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۵۰، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.
۵۴. ↑ ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۴، ص ۱۸۷، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
۵۵. ↑ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۰.
۵۶. ↑ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۱، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۵، چاپ پنجم.
۵۷. ↑ مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۸۲، تحقیق اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹، چاپ دوم.
۵۸. ↑ بلانری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱۲، ص ۷۱، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷، چاپ اول.
۵۹. ↑ دمشقی، اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۹، ص ۲۶۵، بیروت، دارالفکر.
۶۰. ↑ ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۱۴، ص ۵۴، ترجمه ابوالقاسم حالت و عبس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱.
۶۱. ↑ مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، تاریخ گزیده، ص ۷۱۰، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.
۶۲. ↑ تهرانی، آقایزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۴، قم، اسماعیلیان.

منبع

سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «همام بن غالب»، تاریخ باز یابی ۱۳۹۵/۲/۲۹.

رده‌های این صفحه: [تراجم](#) | [درگذشتگان سال 110 \(قمری\)](#) | [درگذشتگان سده 2 \(قمری\)](#) | [شاعران اهل بیت](#) | [شاعران عرب](#) | [مقالات پژوهه](#)